نقش نگرش به رفاه اجتماعی در رابطه همدلی و گرایش اجتماعی با عدالت اجتماعی

محسن گل‌پرور*، حمیدرضا عریضی**، سعید مدنی قهفرخی***

طرح مسأله: *این پژوهش با هدف بررسی نقش نگرش به رفاه اجتماعی در حوزه‌های توسعه رفاهی، جمعیت تحت پوشش رفاه، خدمات رفاهی (بیمه‌ای، امدادی، حمایتی) و سیاستهای رفاهی در رابطهٔ بین همدلی و گرایش اجتماعی با نوع رویکرد به عدالت اجتماعی به مرحله اجرا درآمد.*

روش: *جامعه آماری پژوهش را دانشجویان دانشگاه اصفهان در ترم پاییز سال تحصیلی ۸۷-۸۶ تشکیل دادند که با استفاده از نمونه‌گیری تصادفی ۲۹۷ نفر برای پاسخگویی به پرسشنامه‌های پژوهش انتخاب شدند. پرسشنامه‌های پژوهش شامل پرسشنامه ۲۸ سؤالی نگرش به رفاه اجتماعی با چهار زیرمقیاس توسعه رفاهی، جمعیت تحت پوشش رفاه، خدمات رفاهی (بیمه‌ای، امدادی و حمایتی) و سیاستهای رفاهی، پرسشنامه ۳۳ سؤالی همدلی، پرسشنامه ۳۲ سؤالی گرایش اجتماعی و پرسشنامه ۹ سؤالی رویکردها به عدالت اجتماعی بود. داده‌های حاصل از پرسشنامه‌ها با استفاده از ضریب همبستگی و مدل‌سازی معادله ساختاری (SEM) مورد تحلیل قرار گرفت.*

یافته‌ها: *یافته‌های پژوهش حاکی از آن بود که نگرش به توسعه رفاهی، نقش متغیر میانجی را بین گرایش اجتماعی و رویکرد برابری به عدالت اجتماعی ایفا می‌کند. نگرش به جمعیت تحت پوشش رفاه نیز نقش متغیر میانجی را بین گرایش اجتماعی و رویکرد نیاز به عدالت اجتماعی، نگرش به خدمات رفاهی (بیمه‌ای، امدادی و حمایتی) نقش متغیر میانجی را بین همدلی و انصاف و بالاخره سیاستهای رفاهی نیزنقش متغیر میانجی را بین همدلی و گرایش اجتماعی با رویکرد نیاز به عدالت اجتماعی ایفا نمودند.*

نتایج: *یافته‌های این پژوهش حاکی از آن است که توسعه رفاهی فقط برای رویکرد برابری به عدالت اجتماعی و جمعیت تحت پوشش رفاه نیز فقط نیاز نقش میانجی را با گرایش اجتماعی ایفا می‌کنند. امّا برای رویکرد انصاف و رابطه‌اش با همدلی نگرش به خدمات رفاهی (بیمه‌ای، امدادی و حمایتی) و سیاستهای رفاهی، نیز فقط در رابطه بین رویکرد نیاز به عدالت اجتماعی با همدلی و گرایش اجتماعی نقش میانجی را بازی‌می‌کنند.*

کلیدواژه‌ها: نگرش به رفاه، عدالت اجتماعی، گرایش اجتماعی، همدلی

تاریخ دریافت: ۸۷/۳/۲۵ تاریخ پذیرش: ۸۸/۶/۲۲

* دکتر روانشناس، استادیار دانشگاه آزاد اسلامی خوراسگان (اصفهان) <mgolparvar@khuisf.ir>

** دکتر روانشناس، استادیار دانشگاه اصفهان

*** دکتر جرم شناس، عضو گروه پژوهشی رفاه اجتماعی، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی

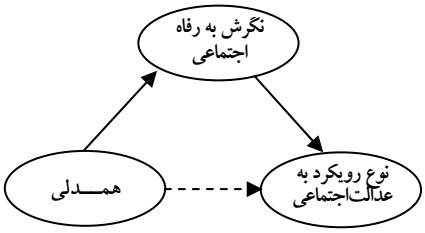
مقدمه

اصطلاح رفاه اجتماعی که گستره وسیعی از مفاهیم و مقولات را در خود جای داده، نظرگاه‌ها و نگرش‌های متعددی را در بین اندیشمندان و نظریه‌پردازان و حتی عوام مردم و اقشار مختلف پدید آورده است. اشاره به نگرشها، تأکیدی است بر جنبه‌های مختلف رفتاری، شناختی و عاطفی نظرگاه‌های افراد نسبت به رفاه اجتماعی. از نظر عمومی، هر پدیده‌ای که انسانها با آن سروکار فکری و رفتاری دارند می‌تواند در آنها نگرش پدید آورد (گل‌پرور و عریضی، ۱۳۸۳ الف: ۱۲۹؛ مؤمنی، ۲: ۱۳۸۳). بدین جهت پدیده‌هایی نظیر رفاه نیز که هم دارای بار معنایی خاصی است و هم در افراد تصورات متعددی راجع به آن وجود دارد، از این قاعده مستثنی نیستند. امّا نظریات علمی و دانشگاهی و نظرات و نگرشهای اقشار مختلف جامعه به رفاه با واژهٔ عدالت و بویژه عدالت اجتماعی در هم تنبیده شده‌اند. برای نمونه، هایک[1] که معتقد است عدالت اجتماعی باید مبتنی بر شایستگی افراد باشد نه چیز دیگر، و تأکید می‌نماید که مداخله دولت‌ها در برقراری رفاه برای تحقق عدالت اجتماعی، ناقض عدالت است چرا که در چنین مداخله‌ای هرگز تخصیص کمک‌ها براساس شایستگی‌های افراد صورت نمی‌گیرد. با این حال بسیاری از صاحبنظران دیگر با چنین تفسیری از رابطه عدالت اجتماعی و رفاه موافق نیستند. برای نمونه والزر[2] معتقد است رویکردهای خاصی از عدالت اجتماعی باید با رفاه اجتماعی و بویژه نگرش به رفاه دارای رابطه باشند (نقل از مؤمنی، ۲: ۱۳۸۳). به هرحال به نظر می‌رسد که شکل نگرش افراد جامعه یا اقشار خاصی نظیر دانشجویان به مقوله رفاه اجتماعی و ابعادی که این نگرشها به خود می‌گیرد، به خوبی بتواند بین گرایش‌های شناختی، اجتماعی و عاطفی افراد (در قالب گرایش اجتماعی و همدلی) و نوع رویکرد به عدالت اجتماعی نقش میانجی و واسطه‌ای را ایفا نمایند. در واقع گرایش‌های اجتماعی و عاطفی افراد، همرا با نوع رویکرد به عدالت اجتماعی براساس آنچه در پی خواهد آمد، به خوبی می‌توانند از طریق نگرشی که افراد نسبت به ابعاد مختلف رفاه اجتماعی دارند میانجی‌گری (واسطه‌گری) شوند.

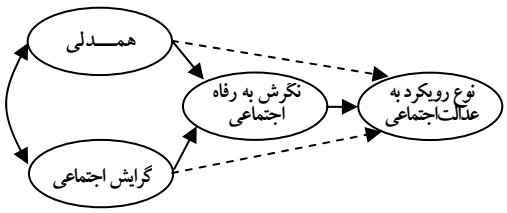
1- Hayek 2- Walzer

چهارچوب نظری

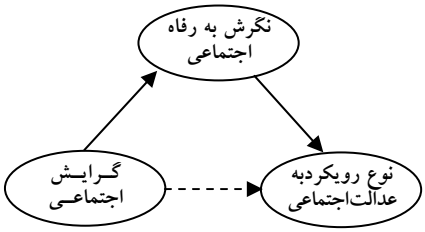
پیش از پرداختن به مبانی و چهارچوب نظری مربوط به رابطه بین گرایش اجتماعی و همدلی (به عنوان متغیرهای پیش‌بین) با نوع رویکردها به عدالت اجتماعی (به عنوان متغیرهای وابسته یا ملاک) و نقش میانجی نگرش به رفاه اجتماعی (به عنوان متغیر واسطه‌ای یا میانجی) در روابط فوق، برای روشن شدن مسأله و اهداف پژوهش حاضر باید به مدلهای ارائه شده در تصویر۱ توجه شود.



مدل ب: نگرش به رفاه اجتماعی میانجی رابطه همدلی با نوع رویکرد به‌عدالت اجتماعی است.



مدل الف: نگرش به رفاه اجتماعی میانجی رابطه همدلی و گرایش اجتماعی با نوع رویکرد به عدالت اجتماعی است



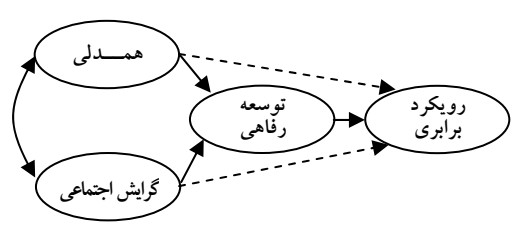
مدل ج: نگرش به رفاه اجتماعی میانجی رابطه گرایش اجتماعی با نوع رویکرد به عدالت اجتماعی است.

تصویر ۱: مدلهای کلی رابطه بین متغیرهای پژوهش

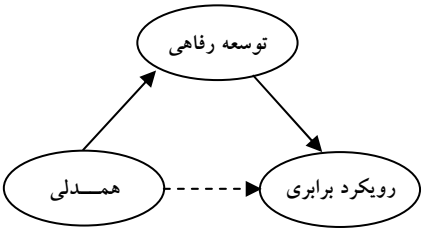
چنان که در تصویر۱ دیده می‌شود، سه مدل کلی برای رابطه بین متغیرهای پژوهش مطرح است. در مدل الف، دو متغیر پیش‌بین (مستقل) به طور همزمان مطرح هستند، ولی در مدل ب و ج متغیرهای پیش‌بین (یعنی همدلی و گرایش اجتماعی) هر یک به تنهایی حضور دارند. اگر در هر یک از مدلهای الف، ب و ج سه رویکرد مطرح برای عدالت اجتماعی، یعنی نیاز، برابری و انصاف (به عنوان متغیر وابسته یا ملاک) و چهار بُعد نگرش به رفاه اجتماعی یعنی نگرش به توسعه رفاهی، نگرش به جمعیت تحت پوشش رفاه، نگرش به خدمات رفاهی و نگرش به سیاستهای رفاهی (به عنوان متغیر واسطه‌ای یا میانجی) قرار گیرند، هر یک از مدلهای الف، ب و ج به صورت جداگانه به ۱۲ مدل تجزیه می‌شوند (در مجموع ۳٦ مدل). براساس آنچه در زیر به تفکیک ارائه خواهد شد، برای ۱۲ مدل از این ۳٦ مدل، شواهد نسبی حمایت‌کننده وجود دارد. بنابراین در حاضر ۱۲ مدل به طور کلی مورد بررسی قرار گرفته‌اند. اما دلیل اینکه چرا همزمان در مدل الف دو متغیر پیش‌بین و در دو مدل ب و ج هر یک از متغیرهای پیش‌بین به صورت جداگانه در نظر گرفته شده‌اند، این بوده که برای هر یک از این سه مدل حمایت نسبی وجود دارد، به اضافه اینکه در مدل‌سازی معادله ساختاری می‌توان مدل‌های قابل رقابت با یکدیگر را برای دستیابی به بینشی دقیق‌تر در قالبی مقایسه‌ای با یکدیگر مورد بررسی قرار داد.

الف: چهارچوب نظری مرتبط با نقش نگرش به توسعه رفاهی در رابطه بین همدلی و گرایش اجتماعی با رویکرد برابری به عدالت اجتماعی

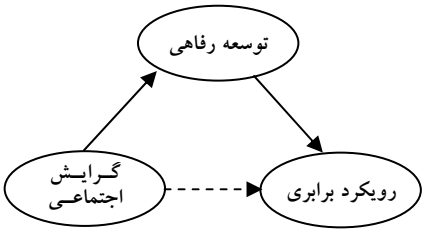
در خصوص رابطه بین نگرش به توسعه رفاهی با همدلی، گرایش اجتماعی و رویکرد برابری به عدالت اجتماعی سه مدل ارائه شده در تصویر۲ مدنظر بوده است.



مدل الف: نگرش به توسعه رفاهی میانجی رابطه همدلی و گرایش اجتماعی با رویکرد برابری به عدالت اجتماعی



مدل ب: نگرش به توسعه رفاهی میانجی رابطه همدلی با رویکرد برابری به عدالت اجتماعی است.



مدل ج: نگرش به توسعه رفاهی میانجی رابطه گرایش اجتماعی با رویکرد برابری به عدالت اجتماعی است.

تصویر ۲: مدلهای سه‌گانه رابطه بین همدلی، گرایش اجتماعی و نگرش به توسعه رفاهی با رویکرد برابری به عدالت اجتماعی

در نگرش به توسعه رفاهی، نکات محوری افـزایش کیفیـت زنـدگی و برخـورداری از امکانات و مواهب اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی برای دسـتیابی بـه توسـعه‌ای همـه‌جانبـه مطرح هستند. به معنای دیگر آنچه در این بُعد از نگرش بـه رفـاه اجتمـاعی، بـسیار مـورد تأکید است، برابری همگان در استفاده از مواهب زندگی و کیفیت زنـدگی مطلـوب اسـت. این بُعد نگرشی با درون‌مایه نظریه عدالت‌گرایی در باب رفاه اجتماعی همخوانی کامل دارد و تا اندازه‌ی زیادی برگرفته شده از همین نظریه است (فیتـر پاتریـک، ۱۳۸۱: ۲۷-۲۰). در کنار نگرش به توسعه رفاهی، در نوع رویکرد به عدالت اجتماعی با رویکرد برابری مواجـه

می‌شویم که از لحاظ محتوایی روابط قابل توجهی را با تأکیدهای توسعه رفاهی دارد. برابری در عدالت اجتماعی بر این نظر متکی است که تمامی آحاد جامعه باید امکان و توانایی کسب دستاوردها، امکانات و نتایج یکسان را به صورت برابر با یکدیگر داشته باشند. بر پایهٔ آنچه که در رویکرد برابری به عدالت اجتماعی مورد تأکید است، نحوهٔ توزیع ثروت، امکانات و فرصتها زمانی عادلانه داوری می‌شوند که تمام افراد جامعه صرفنظر از عقیده‌ها، رنگ پوست، تعلقات خانوادگی، نسلی و قومی دارای شرایط برابر باشند (Deutsch 1975: 139, Rasinsky 1987: 202-205).

در کنار توسعه رفاهی که با رویکرد برابری به عدالت اجتماعی از لحاظ نظری رابطه دارد، گرایش اجتماعی است که آن را به علاقه اجتماعی نیز می‌توان تفسیر نمود. از نظر آدلر، گرایش اجتماعی[1] از طریق تکالیف زندگی که ماهیت میان فردی دارند نظیر دوستی، عشق و کار نمود می‌یابند (Drikors 1950: 5). در معنای دیگر به سادگی می‌توان گفت که گرایش اجتماعی بالا به مفهوم تعاون و عشق به خانواده قابل تعریف است. علاوه بر این، مشخصه عاطفی و روانی همدلی[2] که آگاهی از افکار، احساسات و حالات ذهنی دیگران است، زمینه‌ساز همانندسازی افراد با یکدیگر در عرصه‌های مختلف اجتماعی است (زرشقایی، ۱۳۸٤: ۱۰). از این منظر نیز تمایل به تعاون و اظهار علاقه و عشق که بر همانندسازی انسانها با یکدیگر مؤثر واقع می‌شود، بخوبی می‌تواند زمینه برابری‌خواهی در توسعه رفاهی و رویکرد برابری به عدالت اجتماعی را فراهم سازد. رابطه دوسویه همدلی و گرایش اجتماعی بر مبنای آنچه از لحاظ نظری قابل تصور است در مدل الف از تصویر۲ از طریق پیکان دوسویه بین این دو متغیر نمایش داده شده است. شواهد پژوهشی بدست آمده در ایران حاکی از آن است که از بین رویکردها به عدالت اجتماعی، برابری در کنار نیاز با نگرش به رفاه اجتماعی دارای همبستگی نیرومندتری نسبت به رویکرد انصاف به عدالت اجتماعی با نگرش به رفاه اجتماعی هستند (مؤمنی، ۱۳۸۳؛ ۹۷). در عین حال

۱ـ واژه‌ی آلمانی گیمن شافتز گفول (gemeinschaftsge fuehl) ماهیتاً به تمایلات و گرایش‌های شناختی و رفتاری افراد بازمی‌گردد. لذا در ترجمه واژه‌ی انگلیسی آن (social interest) از اصطلاح گرایش اجتماعی به جای علاقه اجتماعی استفاده شده است.

2- empathy

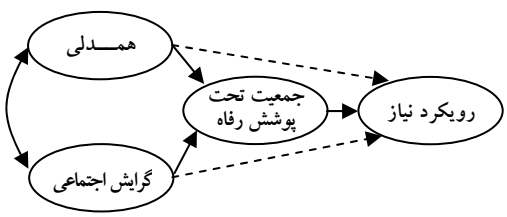
رویکرد برابری با گرایش اجتماعی بر مبنای عشق، دوستی و کار نیز نسبت به نیاز و انصاف دارای رابطه به نسبت بالاتری است (عریضی و گل‌پرور، ۱۳۸۵: ٤٦). بالاخره اینکه زرشقایی (۱۳۸٤) بین همدلی و رفتارهای نوع دوستانه و گرایش به یاری‌رسانی دیگران در قالب رفتارهای مدنی ـ سازمانی روابط مثبت گزارش نموده است.

به هرحال مجموعه شواهد نظری و پژوهشی موجود حاکی از روابط بین گرایش اجتماعی، همدلی با توسعه رفاهی و رویکرد برابری به عدالت اجتماعی است. با این حال کماکان خلاء قابل توجهی در باب الگوهای روابط بین این متغیرها به چشم می‌خورد، به ترتیبی که واقعاً مشخص نیست که آیا نگرش به توسعه رفاهی ابتدا تحت تأثیر گرایش اجتماعی و همدلی قرار می‌گیرد و سپس این تأثیر به رویکرد برابری به عدالت اجتماعی منتقل می‌شود. در صورت وقوع چنین اتفاقی می‌توانیم مدعی شویم که نگرش به توسعه رفاهی میانجی[1] رابطه گرایش اجتماعی وهمدلی با رویکرد برابری به عدالتی اجتماعی است. از طرف دیگر اگر تأثیر گرایش اجتماعی و همدلی به صورت جداگانه نه در کنار هم، بخشی از طریق نگرش به توسعه رفاهی و بخشی دیگر به صورت مستقیم اعمال شود، در چنین شرایطی می‌توان گفت که نگرش به توسعه رفاهی میانجی پاره‌ای[2] رابطه بین همدلی و گرایش اجتماعی با رویکرد برابری به عدالت اجتماعی است. بنابراین در این بخش از پژوهش هدف آن است که در قالب سه الگوی معرفی شده در تصویر ۲، مشخص نماییم که آیا نگرش به توسعه رفاهی میانجی رابطه گرایش اجتماعی و همدلی با رویکرد برابری به عدالت اجتماعی هست یا خیر؟ و در درجه بعدی نیز هدف آن است که مشخص کنیم که اگر هم نگرش به توسعه رفاهی میانجی رابطه همدلی و گرایش اجتماعی با رویکرد برابری به عدالت اجتماعی است، آیا این نقش را همزمان برای هر دو بُعد گرایش اجتماعی و همدلی ایفا می‌کند (مدل الف تصویر ۲) و یا چنین نقشی را به‌صورت تفکیکی برای هر یک از دو متغیر گرایش اجتماعی و همدلی (مدل‌های ب و ج تصویر ۲) اعمال می‌نماید.

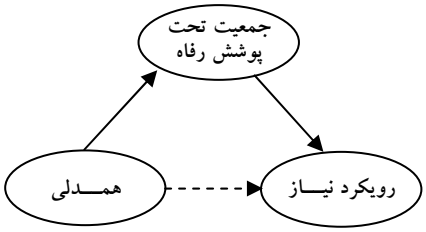
1- Mediator 2- Partial mediator

ب: چهارچوب نظری مرتبط با نقش نگرش به جمعیت تحت پوشش رفاه در رابطه بین همـدلی و گرایش اجتماعی با رویکرد نیاز به عدالت اجتماعی

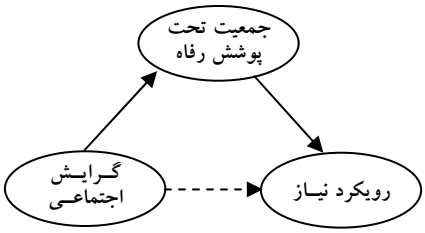
روابط متصور برای نگرش به جمعیت تحت پوشش رفاه با همدلی، گرایش اجتماعی و رویکرد نیاز به عدالت اجتماعی در تصویر ۳ ارائه شده است.



مدل الف: نگرش به جمعیت تحت پوشش رفاه میانجی رابطه همدلی و گرایش اجتماعی با رویکرد نیاز به عدالت اجتماعی است.



مدل ب: نگرش به جمعیت تحت پوشش رفاه میانجی رابطه همدلی با رویکرد نیازبه عدالت اجتماعی است.



مدل ج: نگرش به جمعیت تحت پوشش رفاه میانجی رابطه گرایش اجتماعی با رویکرد نیاز به عدالت اجتماعی است.

تصویر ۳: مدلهای سه‌گانه رابطه بین همدلی، گرایش اجتماعی و نگرش به جمعیت تحت پوشش رفاه با رویکرد نیاز به عدالت اجتماعی

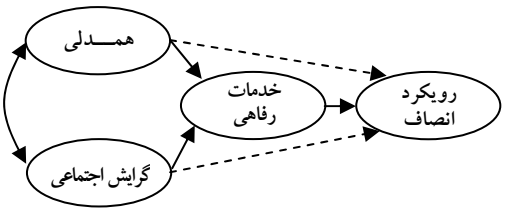
بُعد دوم نگرش به رفاه اجتماعی که در پژوهش حاضر مورد تأکید است، نگرش به جمعیت تحت پوشش رفاه اجتماعی است. در این بُعد، استفاده بازماندگان افراد بازنشسته از خدمات رفاهی، این‌که دولت باید همه آحاد جامعه را تحت پوشش بهینه خدمات رفاهی قرار دهد و در حد امکان به افراد نیازمند به خدمات رفاهی، کمک بیشتری ارائه دهد مورد تأکید است. اشاره به مضامین مطرح در حوزه نگرش به جمعیت تحت پوشش رفاه مشخص می‌نماید که این بُعد نگرش به رفاه با رویکرد نیاز به عدالت اجتماعی دارای رابطه است. چرا که در رویکرد نیاز (Samson, 1969: 15 , Deutsch, 1975: 139 ,1985: 33-67) بر توزیع امکانات و دستاوردها به سمت نیازمندترین افراد تأکید می‌شود. بنابراین از لحاظ نظری و محتوایی این نکته که دولت باید برای گسترش وتوسعه رفاه اجتماعی در جامعه، نیازمندترین افراد یا حداقل توجه به نیازها را مدنظر قرار دهد، با این باور که اقدامی عادلانه‌تر است که معطوف به نیاز افراد باشد، بخوبی می‌توانند با یکدیگر رابطه داشته باشند. این رابطه در مطالعه‌ای که مؤمنی (۱۳۸۳: ۹۷) به انجام رسانده، مستتر و گزارش شده است.

از لحاظ مضمون، همدلی و گرایش اجتماعی نیز می‌توانند با رویکرد نیاز ونگرش به جمعیت تحت پوشش رفاه رابطه داشته باشند. همدلی مبتنی بر توجه به نیازهای دیگران است. در فرایند همدلی کردن، افراد از مسیرهای مختلف (به مفهوم رفتارهای کلامی و غیرکلامی) به خواسته‌ها و نیازهای دیگران پی می‌برند و به‌دنبال آن سعی در فهم وضعیت احساسی و عاطفی آنها می‌کنند (Thomas 2002: 2). چنین فرایندی از یک طرف نیازمند آن است که فرد نیاز دیگران را تشخیص دهد و از طرف دیگر مستلزم آن است که فرد حداقل از نظر نگرشی پذیرای آن باشد که اگر خود نمی‌تواند برای رفع نیازهای افراد اقدامی کند، حداقل متمایل به دخالت دولت برای رفع نیاز افراد باشد. این فرایند از طریق روابطی که در الگوی الف و ب در تصویر ۳ نشان داده شده کاملاً مشخص است. اما اینکه گرایش اجتماعی چگونه با نگرش به جمعیت تحت پوشش رفاه و رویکرد نیاز ارتباط

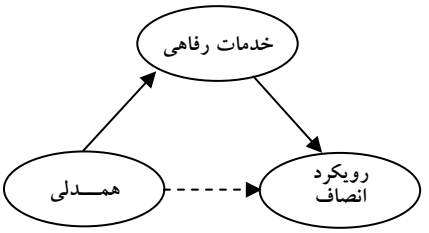
می‌یابد، تا اندازه‌ای از لحاظ نظری و پژوهشی قابل تبیین است. در بُعد پژوهشی، عریضی و گل‌پرور (۱۳۸۵: ۵۰–٤۸) نشان داده‌اند که نیاز خود به تنهایی و به‌صورت متوسط ۵/۲ درصد از پراکنش (واریانس) تمایلات و رفتارهای مطرح در گرایش اجتماعی را تبیین می‌کند. علاوه بر این از بُعد نظری، آن‌گونه که آدلر (Adler) در باب گرایش اجتماعی اعلام داشته است، این نوع گرایش تمایل فعال به رفاه انسانی تعریف می‌شوند (Adler 1958: 100-120). پس به‌طور طبیعی وقتی گرایش اجتماعی در افراد نیرومند می‌شود، به واسطه آنکه تمایل به رفاه انسانها پررنگ‌تر می‌گردد، می‌توان انتظار داشت که فرد به نیازهای افراد و رفع آنها از طریق پوشش داده شدن توسط برنامه‌های رفاهی، تمایل بالاتری نشان بدهد. بنابراین در این بخش به واسطه آنکه یافته‌های پژوهشی کمی در خصوص نقش نگرش به جمعیت تحت پوشش رفاه در رابطه بین همدلی و گرایش اجتماعی با رویکرد نیاز به عدالت اجتماعی وجود داشت، هدف اصلی، پاسخگویی به این سؤال بود که نگرش به جمعیت تحت پوشش رفاه چه نقشی در رابطه بین همدلی و گرایش اجتماعی با رویکرد نیاز به عدالت اجتماعی ایفا می‌کند و سپس اینکه آیا نگرش به جمعیت تحت پوشش رفاه می‌تواند برای هر دو متغیر همدلی و گرایش اجتماعی (در قالب مدل الف تصویر ۳) به‌طور همزمان یا تفکیکی و جداگانه (در قالب مدلهای ب و ج در تصویر ۳) نقش یک متغیر میانجی را بازی کند یا خیر؟

ج. چهارچوب نظری مرتبط با نقش نگرش به خدمات رفاهی در رابطه بین همدلی و گرایش اجتماعی با رویکرد انصاف به عدالت اجتماعی

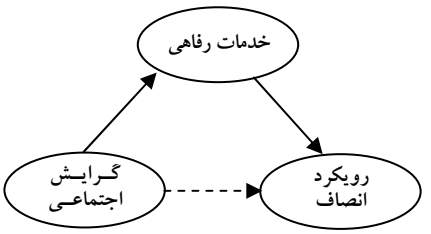
سه مدل ارائه شده درتصویر ٤، مدل‌های اولیه‌ای هستند که در خصوص نقش نگرش به خدمات رفاهی در رابطه بین همدلی و گرایش اجتماعی با رویکرد انصاف به عدالت اجتماعی در نظر گرفته شده‌اند.



مدل الف: نگرش به خدمات رفاهی میانجی رابطه همدلی و گرایش اجتماعی با رویکرد انصاف به عدالت اجتماعی است.



مدل ب: نگرش به خدمات رفاهی میانجی رابطه همدلی با رویکرد انصاف به عدالت اجتماعی است.



مدل ج: نگرش به خدمات رفاهی میانجی رابطه گرایش اجتماعی با رویکرد انصاف به عدالت اجتماعی است.

تصویر ٤: مدلهای سه‌گانه رابطه بین همدلی، گرایش اجتماعی و نگرش به خدمات رفاهی با رویکرد انصاف به عدالت اجتماعی

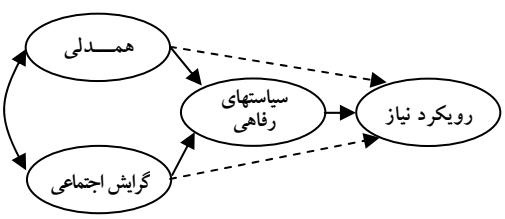
بُعد سوم نگرش به رفاه اجتماعی، نگرش به خدمات رفاهی (بیمه‌ای، امدادی و حمایتی) است. محوریت در این نوع نگرش، معطوف به رسیدگی و ارائه خدمات رفاهی به کسانی است که به دلایل غیرفردی با مشکلات متعدد نظیر فقر، بیکاری، حوادث و بلایا مواجه شده‌اند و از لحاظ تأمین نیازهای خود با مشکل اساسی مواجه هستند. در نگرش به خدمات رفاهی علاوه بر اینکه نیاز و شرایط افراد مطرح است، رعایت انصاف در

رسیدگی‌های رفاهی به عنوان یکی دیگر از رویکردها به عدالت اجتماعی نیز مطرح است. در رویکرد انصاف به عدالت اجتماعی مسأله مورد تأکید و محوری تناسب بین درون‌دادها (مقدار تلاش، کوشش، پشتکار و...) و برون‌دادهای افراد (کسب موقعیت، امکانات و به‌طور کلی نتیجه) می‌باشد. ولی از نظر اجتماعی نیز وقتی افرادی که در یک جامعه زندگی می‌کنند علی‌رغم تلاشهایی که صرف می‌کنند به نتایج مطلوب دست نمی‌یابند این خود حاکی از بی‌عدالتی در قالب بی‌انصافی است (Rasinsky 1987: 201-205). بنابراین خدمات رفاهی (بیمه‌ای، امدادی و حمایتی) ضرورتاً باید مبتنی بر انصاف باشد.

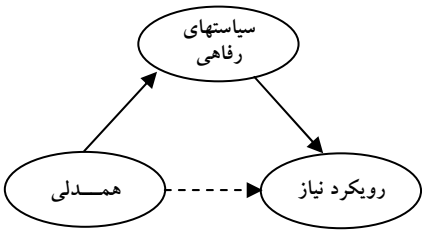
در خصوص رابطه همدلی و گرایش اجتماعی با خدمات رفاهی (بیمه‌ای، امدادی و حمایتی) و رویکرد انصاف به عدالت اجتماعی مبانی نظری، همان مبانی نظری ذکر شده در حوزه نگرش به توسعه رفاهی و جمعیت تحت پوشش رفاه مطرح است. البته عریضی و گل‌پرور (۱۳۸۵: ۵۰-۴۹) انصاف را در حوزه دوستی و کار دارای توان پیش‌بینی معنادار معرفی کرده‌اند نه در حوزه‌ی عشق و اهمیت خود. در عین حال شواهد مربوط به ضرایب همبستگی ساده (مرتبه صفر) در پژوهش مذکور حاکی از آن است که انصاف نسبت به نیاز و برابری دارای روابط ضعیف‌تری با گرایش اجتماعی است. با این حال تحقیقات بیشتری لازم است تا بتوان در این‌باره داوری دقیق‌تری به‌عمل آورد. به همین دلیل در این بخش هدف پژوهش را پاسخ به این سؤال قرار داده‌ایم که نقش نگرش به خدمات رفاهی (بیمه‌ای، امدادی و حمایتی) در رابطه بین همدلی و گرایش اجتماعی با رویکرد انصاف به عدالت اجتماعی چیست؟ و این سؤال را نیز مدنظر داشته‌ایم که آیا نگرش به خدمات رفاهی در رابطه بین همدلی و گرایش اجتماعی به‌صورت همزمان (مطابق آنچه در مدل الف تصویر ٤ ارائه شده است)، نقش یک متغیر میانجی را بازی می‌کند یا این‌که این بُعد از نگرش به رفاه اجتماعی برای هر یک از دو متغیر همدلی و گرایش اجتماعی و رابطه‌شان با رویکرد انصاف به‌صورت جداگانه (مطابق مدلهای ب و ج در تصویر ٤) نقش میانجی را ایفا می‌نماید.

د. چهارچوب نظری مرتبط با نقش نگرش به سیاستهای رفاهی در رابطه بین همدلی و گرایش اجتماعی با رویکرد نیاز به عدالت اجتماعی.

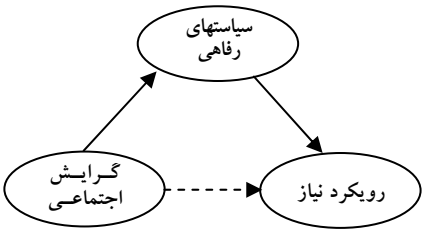
در تصویر ۵ سه مدل ارائه شده که در آنها نقش نگرش به سیاستهای رفاهی در رابطه بین همدلی و گرایش اجتماعی با رویکرد نیاز به عدالت اجتماعی ارائه شده است.



مدل الف: نگرش به سیاستهای رفاهی میانجی رابطه همدلی و گرایش اجتماعی با رویکرد نیاز به عدالت اجتماعی است.



مدل ب: نگرش به سیاستهای رفاهی میانجی رابطه همدلی با رویکرد نیاز به عدالت اجتماعی است.



مدل ج: نگرش به سیاستهای رفاهی میانجی رابطه گرایش اجتماعی با رویکرد نیاز به عدالت اجتماعی است.

تصویر ۵: مدلهای سه‌گانه رابطه بین همدلی، گرایش اجتماعی و نگرش به سیاستهای رفاهی با رویکرد نیاز به عدالت اجتماعی

آخرین بُعد از نگرش به رفاه، سیاستهای رفاهی است. این بُعد از نگرش به رفاه، بر رسیدگی، حمایت و توجه به محرومترین و نیازمندترین افراد تأکید دارد. برای نمونه از لحاظ نظری، بخشی از اعضای هر جامعه را افرادی تشکیل می‌دهند که دارای شرایط لازم و امکانات مطلوبی برای یک زندگی مناسب نیستند. آنچه در این اقشار و گروه‌ها به طور جدی مدنظر است، تأمین نیازهای آنهاست. بخشی از این نیازها از طریق خود این افراد و بخش دیگر براساس سیاستهای رفاه مطرح در حوزه رفاه اجتماعی لازم است از طریق دولت تأمین و تضمین شود. همسو با حوزه جمعیت تحت پوشش رفاه که بیشتر بر گروه‌های خاصی نظیر زنان و کودکان متمرکز است، سیاستهای رفاهی از لحاظ محتوایی با رویکرد نیاز و بر مبنای تمایل به رفاه انسانی و همانندسازی با نیاز و احساسات دیگر با گرایش اجتماعی و همدلی دارای رابطه است. حمایت‌های پژوهشی مطرح در این حوزه با حمایت‌های پژوهشی ارائه شده در حوزه‌ی نگرش به جمعیت تحت پوشش رفاه مشترک است. بنابراین در این بخش هدف اصلی آن بوده تا مشخص نمائیم که نگرش به سیاستهای رفاهی چه نقشی در رابطه بین همدلی و گرایش اجتماعی با رویکرد نیاز به عدالت اجتماعی ایفا می‌کند و چنان‌چه در روابط مذکور، نگرش به سیاستهای رفاهی نقشی ایفا می‌کند، این نقش به‌طور همزمان برای هر دو متغیر همدلی و گرایش اجتماعی در رابطه با رویکرد نیاز به عدالت اجتماعی است (مدل الف در تصویر ۵) یا به‌صورت تفکیکی و مجزا چنین نقشی را برای گرایش اجتماعی و همدلی (مدلهای ب و ج در تصویر ۵) ایفا می‌کند.

ه: ادغام و جمع‌بندی مبانی نظری

در جمع‌بندی می‌توان گفت نقش میانجی نگرش به رفاه اجتماعی در ارتباط میان گرایش اجتماعی و همدلی با نوع رویکرد به عدالت اجتماعی (نیاز، برابری، یا انصاف) در بطن مفاهیم و معانی نهفته در نگرش به رفاه و رویکردها به عدالت اجتماعی نهفته است. آنچه در عدالت توزیعی[1] مطرح است نحوه توزیع کالاها، امکانات، فرصتها و

1- distributive justice

دستاوردهایی است که در اجتماعات و جوامع وجود دارد (Oppenheimer, 2002: 225-311). برای عدالت اجتماعی سه رویکرد اصلی مطرح شده است. رویکرد اول نیاز[1] (Deutsch, 1975: 462, 1985: 33-67; Samson, 1969: 15)، رویکرد دوم برابری[2] (گل‌پرور و عریضی، ۱۳۸۳: ۲۹٤). و رویکرد سوم انصاف[3] است. (Wendorf , Alexander & Firestone, 2002: 19-39; Walster et al, 1978: 32).

همسو با رویکردهای یاد شده درحوزه عدالت اجتماعی، در نظریات و نگرشهایی که نسبت به رفاه اجتماعی وجود دارد، همپوشی‌های قابل توجهی با این رویکردها دیده می‌شود. در یک جمع‌بندی می‌توان گفت رفاه اجتماعی اقدامات و تدابیری است که برای کاهش یا معدوم ساختن مشکلات ناشی از رشد اقتصادی و رشد ناهماهنگ در زمینه‌های تربیتی، بهداشتی، درمانی و پاره‌ای از امور و پدیده‌های اجتماعی نظیر عدم توسعه متعادل اقتصادی ـ اجتماعی به کار برده می‌شوند. این رویکرد اخلاقی به رفاه اجتماعی بسیار با رویکردهای نیاز و برابری به عدالت اجتماعی همپوشی بسیار دارند. در واقع اصولی که برای حمایت و رفاه اجتماعی مدرن از دهه ۱۹٤۰ مطرح و تا به امروز پابرجاست بر پایه عدالت اجتماعی و با تأکید بر مضامین آن مطرح شده‌اند (مؤمنی، ۱۳۸۳: ۳۱).

نظریاتی نظیر مطلوبیت‌گرایی و عدالت گرایی در حوزه نظریات مربوط به رفاه، نیز با تأکیدات آمیخته‌ای بر انصاف و برابری و نیاز مباحث خود را به پیش می‌برند. آن‌گونه که فیتزپاتریک[4] اظهار داشته، چشم‌اندازه‌های اصلی رفاه، یعنی آنچه از رفاه و بویژه رفاه اجتماعی برداشت می‌شود، همانا شادکامی در قالبی عمیق و پرمحتوا، تأمین و امنیت داشتن، تحقق ترجیحات و خواسته‌های معقول، رفع نیازها، استحقاق داشتن و مقایسه‌های نسبی می‌باشند (فیتر پاتریک، ۱۳۸۱: ۲۷–۲۰). نگاهی بر آنچه که فیتر پاتریک به عنوان چشم‌اندازهای اصلی رفاه مطرح نموده، خود گویای آن است که تأکیدات بویژه مشترکی در بین رویکردها به عدالت اجتماعی و دیدگاهها نسبت به رفاه وجود دارد. علی‌رغم اینکه

1- Need 2- Equality 3- Equity 4- Fitzpatrick

حصول کلیه جهاتی که در چشم‌اندازهای اصلی رفاه اجتماعی توسط فیترپاتریک مطرح شده بسیار آرمانشهری به نظر می‌رسد ، با این حال این تأکیدات محورهای اصلی سیاستهای اجتماعی معطوف به رفاه محسوب می‌شوند. در یک نگاه، رفع نیازها با رویکرد نیاز به عدالت اجتماعی، استحقاق داشتن و مقایسه‌های نسبی با رویکرد انصاف و فراگیری و بسط و گسترش شادکامی و رفاه در تمامی جهات جامعه نیز با رویکرد برابری در عدالت اجتماعی تناظر قابل توجهی را نشان می‌دهند.

از لحاظ نظری آنچه که در نگاه‌ها به مسائل مختلف از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است نحوه نگرش و دیدگاه‌هایی است که گروههای مختلف در جوامع امروزین نسبت به رفاه اجتماعی دارند. نگرشها که دارای سه مؤلفه رفتاری، شناختی و عاطفی هستند، بنا بر پژوهشهای فراوان قادر هستند تا واکنشهای انسانها را در مقابل پدیده‌های مختلف از خود متأثر سازند (Prislin & Ouilette, 1998: 849; Olson & Zanna, 1993: 253; Baily & Plessis, 1997: 429). در این پژوهش نیز آنچه محور بررسی بوده، همانا نگرش به رفاه اجتماعی است که براساس تحلیل عاملی انجام شده چهار حوزه توسعه رفاهی، جمعیت تحت پوشش رفاه، خدمات رفاهی (بیمه‌ای، امدادی و حمایتی) و سیاستهای رفاهی را پوشش می‌دهد. این چهار حوزه که در پژوهش مدنی و رفیعی (۱۳۸۱) بر آنها تمرکز شده و در ساخت پرسشنامه نگرش به رفاه اجتماعی از آنها استفاده شده، نیز تا حدقابل توجهی از ایده‌ها و نظریات اصلی مطرح در باب رفاه اجتماعی که به برخی از آنها اشاره کردیم استخراج شده است.

در کنار این ارتباطات، شکل‌کلی هر نگرش یا باوری با گرایش‌های شناختی، رفتاری و عاطفی افراد در ارتباط است. یکی از این گرایش‌ها، گرایش اجتماعی و دیگری که جنبه عاطفی دارد همدلی است. گرایش اجتماعی که برای اولین بار آدلر آن را گرایش فعال به رفاه انسانی تعریف نموده است (Adler, 1958: 152). ماهیت شناختی، عاطفی و حتی رفتاری دارد. براساس گزارش عریضی و گل‌پرور (۱۳۸۵: ۳۶) رویکردهای برابری و نیاز به عدالت اجتماعی با گرایش‌های اجتماعی دوستی و انصاف با گرایش اجتماعی کار دارای

رابطه هستند. همدلی نیز که آگاهی از افکار، احساسات یا حالات ذهنی دیگران است هم به عنوان یک ویژگی شخصیتی و هم به عنوان یک توانایی، شرایط لازم را برای توجه به بسیاری از پدیده‌ها فراهم می‌کند (Rogers: Reber, 1995: 249 ; Thomas , 2002: 2) 1975: 257: . در قالبی کلی‌تر، درون‌مایه اصلی گرایش اجتماعی و همدلی و بویژه در حوزه‌هایی نظیر دوستی و عشق با برابری و نیاز از رویکردهای عدالت اجتماعی و هر چهار بعد نگرش به رفاه اجتماعی یعنی توسعه رفاهی (با تأکید بر برابری)، جمعیت تحت پوشش رفاه و سیاستهای رفاهی (با تأکید بر نیاز) خدمات رفاهی (بیمه‌ای، امدادی و حمایتی با تأکید بر نیاز و انصاف) دارای ارتباط مفهومی هستند.

روش

جامعه آماری پژوهش حاضر را کلیه دانشجویان دانشگاه اصفهان در ترم پاییز ۱۳۸۷-۱۳۸٦ تشکیل داده‌اند. از بین کلیه دانشجویان ۲۹۷ نفر دانشجو به شیوه تصافی ساده و با استفاده از جدول اعداد تصادفی متناسب با شماره ردیفی که برحسب سال ورودی (از پایین‌ترین تا بالاترین سال ورود یعنی ۸۱ تا ۸٦) به هر دانشجو تعلق گرفته انتخاب شدند. ۷۰ درصد گروه نمونه را دختران و ۳۰ درصد باقیمانده پسران بودند. میانگین سنی دانشجویان ۲۱/٥٤ با انحراف معیار ۳/۲٥ بوده است.

ابزارهایی که در پژوهش مورد استفاده قرار گرفته‌اند به شرح زیر بوده‌اند:

پرسشنامه نگرش به رفاه اجتماعی[1]: این پرسشنامه برای اولین بار در ایران توسط مدنی و رفیعی (۱۳۸۱) استفاده شده است. فرم اصلی پرسشنامه مشتمل بر ۳٦ سؤال است که به‌صورت پنج درجه‌ای (کاملاً موافقم =۲، نظری ندارم =۰ و کاملاً مخالفم =۲-) پاسخ داده می‌شود. این پرسشنامه نگرش افراد جامعه را نسبت به حوزه‌های مختلف مربوط به رفاه اجتماعی مورد سنجش قرار می‌دهد. مؤمنی (۱۳۸۳) این پرسشنامه را در پژوهش خود مورد استفاده قرار داده و علاوه بر بررسی روایی صوری و محتوایی آن، آلفای کرونباخ آن

1- Attitude toward social welfare questionnaire.

را ۰/۸۷ گزارش نموده است. این پرسشنامه در پژوهش حاضر مورد تحلیل عاملی اکتشافی با چرخش از نوع واریماکس قرار گرفت و در نهایت از ۳٦ گویه آن ۲۸ گویه دارای شرایط مطلوبی بود که به ترتیب بر چهار عامل توسعه رفاهی (چهار سؤال)، جمعیت تحت پوشش رفاه (با ۱۰ سؤال)، خدمات رفاهی (بیمه‌ای، امدادی و حمایتی با ۷ سؤال) و سیاستهای رفاهی (با ۷ سؤال) قرار گرفتند. بار عاملی این ۲۸ سؤال بر روی چهار عامل شناسایی شده تماماً بالای ۰/٤ بود. علاوه بر این آلفای کرونباخ این چهار عامل (پس از مشخص شدن آنها) به ترتیب برای توسعه رفاهی ۰/٦۱، جمعیت تحت پوشش رفاه ۰/۷۵، خدمات رفاهی (بیمه‌ای، امدادی و حمایتی) ۰/۷۳ و سیاستهای رفاهی ۰/۷۷ بدست آمد. سؤالاتی که از مقیاس اولیه ۳٦ سؤالی حذف گردید سؤالات ۳، ۱۵، ۱۷، ۲۰، ۲۵، ۲۹، ۳۰ و ۳۳ بودند. ۲۸ سؤال نهایی و بارهای عاملی آنها در جدول ۱ ارائه شده است.

جدول ۱: سؤالات پرسشنامه رفاه اجتماعی و بارهای عاملی آنها بر چهار عامل استخراج شده

شماره سؤال	شـــــرح ســـؤالات	عامل توسعه رفاهی	عامل جمعیت تحت پوشش رفاه	عامل خدمات رفاهی	عامل سیاستهای رفاهی
۱	رفاه اجتماعی که تلاشی است برای افزایش سطح کفیت زندگی برای عموم مردم، پیش‌نیاز توسعه اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی است.	۰/٦۹			
۲	توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی باعث می‌شود تا عموم مردم از سطح زندگی بالاتر برخوردار شوند.	۰/۵۸			
۲۸	وقتی که دولت ناگزیر به مداخله در ساز و کار آزاد اقتصاد و کنترل بخش خصوصی برای افزایش خدمات رفاهی است، بهتر است این خدمات به‌صورت حداقل ارائه شود.	۰/٤۹			

شماره سؤال	شـــــرح ســـؤالات	عامل توسعه رفاهی	عامل جمعیت تحت پوشش رفاه	عامل خدمات رفاهی	عامل سیاستهای رفاهی
٣٤	هزینه کردن برای رفاه اجتماعی سرمایه‌گذاری نیست، بلکه مصرف است.	۰/٥٤			
٥	بازماندگان افراد بازنشسته باید از خدمات رفاه اجتماعی استفاده کنند.		۰/٥٢		
٧	دولت باید همه افراد جامعه را تحت پوشش خدمات رفاهی از جمله خدمات درمانی قرار دهد.		۰/٥٧		
٨	دولت بهتر است برای بهبود رفاه عموم مردم به خصوص افراد نیازمند، از همکاری مؤسسات غیردولتی و مراکز خیریه استفاده کند.		۰/٤٩		
١٠	یکی از مهمترین گروه‌های تحت پوشش برنامه‌های رفاه اجتماعی باید افراد ناتوان جسمی و معلولان باشند.		۰/٦٢		
١١	یکی از گروه‌های تحت پوشش برنامه‌های رفاه اجتماعی دولت باید زنان، بخصوص زنان سرپرست خانوار باشند.		۰/٥٣		
١٦	یکی از مهمترین گروه‌های تحت پوشش برنامه‌های رفاه اجتماعی دولت باید کودکان بخصوص کودکان دارای نقص عضو باشند.		۰/٦٧		
١٩	خدمات رفاهی باید مشمول حال افرادی شود که به این خدمات نیاز دارند.		۰/٤٧		
٢٧	باید توسط دولت مراکزی برای حمایت از حقوق کودکان در معرض آسیب بوجود آید.		۰/٥٤		
٣١	دولت باید برای افرادی که در محلهای پرخطر زندگی می‌کنند (مثل حاشیه شهرها) بودجه اختصاص دهد.		۰/٥٩		

شماره سؤال	شـــــرح ســـؤالات	عامل توسعه رفاهی	عامل جمعیت تحت پوشش رفاه	عامل خدمات رفاهی	عامل سیاستهای رفاهی
۳۲	بخشی از بودجه کشور باید صرف تأمین زندگی کودکانی گردد که والدین آنها به ایدز مبتلا هستند.		۰/٦٥		
٤	افراد بیکار باید به‌طور مرتب از خدمات رفاه اجتماعی از جمله دریافت بیمه بیکاری برخوردار شوند.			۰/۷۱	
۹	دولت باید به جای کمک مستقیم به افراد نیازمند، خدمات رفاهی را به توانمندسازی و افزایش توانایی این افراد معطوف کند.			۰/٥٤	
۱۲	برنامه‌های رفاه اجتماعی دولت در حوزه‌ی امداد باید شامل هر سه مرحله پیشگیری، امدادرسانی و بازسازی شود.			۰/٤۷	
۱۳	برنامه‌های رفاه اجتماعی دولت پس از وقوع حوادث، باید علاوه بر بازسازی فیزیکی بر خدمات مربوط به سلامت روان افراد خانواده‌ها نیز متمرکز شود.			۰/٥۱	
۱٤	برنامه‌های رفاه اجتماعی دولت باید حداقل نیازهای اساسی (غذا، پوشاک و...) همه افراد جامعه را پوشش دهد.			۰/٦۷	
۱۸	در بودجه عمومی کشور، علاوه بر خدمات بیمه‌ای رایگان، باید سهمی به ایجاد تسهیلات خدمات پرهزینه بهداشتی برای افراد نیازمند اختصاص یابد.			۰/٤۹	
۲۲	برنامه‌های رفاه اجتماعی دولت باید با اولویت دادن به گروه‌های جمعیتی و خانوارهای زیر خط فقر ارائه شود.			۰/۲۸	
٦	هر تغییری در قوانین جامعه باید با توجه به اصل بهبود وضعیت محرومترین افراد جامعه صورت گیرد.				۰/٥٤
۲۱	خدمات در حوزه‌ی رفاه اجتماعی باید با حفظ صیانت اخلاقی، شخصیت انسانی، حفظ حق انتخاب و به دور از هر گونه تحقیر ارائه شود.				۰/٤۹

شماره سؤال	شـــــرح ســـؤالات	عامل توسعه رفاهی	عامل جمعیت تحت پوشش رفاه	عامل خدمات رفاهی	عامل سیاستهای رفاهی
۲۳	اگر توزیع ثروت در جامعه از طریق مالیات بر درآمدهای بالا و ارائهٔ خدمات رفاهی برای درآمدهای پایین صورت گیرد، تولید افزایش خواهد یافت.				۰/٦۷
۲٤	دولت باید از طریق وضع مالیات برای افراد برخوردار جامعه، منابع لازم را برای اجرای برنامه‌های رفاه اجتماعی تأمین کند.				۰/۷۱
۲٦	بخشی از بودجه دولت باید به پیشگیری از بیماری‌هاو مشکلات اجتماعی برای عموم افراد جامعه اختصاص یابد.				۰/۷٦
۳۵	بهبود کیفیت خدمات و جلب رضایت خدمت گیرندگان، مهم‌تر از تحت پوشش قرار دادن همه نیازمندان است.				۰/۳۹
۳٦	باید از طریق خدمات رفاه اجتماعی، کسری هزینه‌های زندگی کارگران تأمین شود.				۰/۳٦

همدلی[1]:

برای سنجش همدلی از پرسشنامه مهرابیان[2] که توسط عریضی ترجمه و آماده اجرا شده است (به نقل از زرشقایی، ۱۳۸٤) استفاده شد. این مقیاس دارای ۳۳ سؤال است که ۱۷ سؤال آن به صورت مثبت و ۱٦ سؤال آن به‌صورت منفی در پرسشنامه طراحی شده‌اند. این ۳۳ سؤال به‌صورت پنج درجه‌ای (کالاً موافقم =۵ و کاملاً مخالفم =۱ برای سؤالات مثبت و به‌صورت معکوس این شیوه نمره‌گذاری برای سؤالات منفی) پاسخ داده می‌شوند. زرشقایی (۱۳۸٤) به نقل از تحقیقات داخلی و خارجی انجام شده بر روی این پرسشنامه، ضریب پایایی این پرسشنامه را ۰/۸٤ و ۰/۷۸ اعلام نموده است. روایی سازه این پرسشنامه

1- Empathy 2- Mehrabian

نیز از طریق تحلیل عاملی اکتشافی و چرخش از نوع واریماکس بررسی و تأیید شده است. در عین حال روایی همگرای این پرسشنامه با رفتارهای مدنی ـ سازمانی بررسی و تأیید گردیده است (زرشقاقی، ۱۳۸٤: ۵۷-۵٤). در پژوهش حاضر نیز پایایی این پرسشنامه سنجیده شد که آلفای کرونباخ آن ۰/٦۱ به‌دست آمد.

گرایش اجتماعی[1]:

برای سنجش گرایش اجتماعی از پرسشنامه ۳۲ سؤالی گریور، تسوانگ و فردلند که چهار حیطه کلی دوستی، اهمیت، عشق و کار را در حوزه گرایشهای اجتماعی مورد سنجش قرار می‌دهد استفاده شد (Grever, Tseng & Friedland, 1973: 458). این پرسشنامه قبلاً پژوهشهای چندی از جمله عریضی و گل‌پرور (۱۳۸۵) استفاده شده است و از شرایط مطلوبی برخوردار می‌باشد. گریور و همکاران (۱۹۷۳) با استفاده از تحلیل عاملی اکتشافی، روایی سازه این پرسشنامه را مستند ساخته‌اند. در عین حال بر پایه پژوهش عریضی و گل‌پرور (۱۳۸۵) ساختار عاملی پرسشنامه ترجمه شده گرایش اجتماعی با ساختار عاملی آن در خارج از ایران برابر و پایایی بازآزمایی آن نیز ۰/۹۱ می‌باشد (ص ٤۵). گریور و همکاران (به نقل از عریضی و گل‌پرور، ۱۳۸۵) نیز آلفای کرونباخ این پرسشنامه را ۰/۸٤ گزارش نموده‌اند. در پژوهش حاضر نیز آلفای کرونباخ این پرسشنامه محاسبه گردید که ۰/۸۱ به دست آمد.

پرسشنامه نوع رویکرد به عدالت اجتماعی:

پرسشنامه عدالت اجتماعی برای اولین بار توسط راسینسکی (Rasinsky, 1987:201-204) ساخته شده و در ایران عریضی (۱۳۸۳) آن را ترجمه و آماده اجرا نموده است. علاوه بر این در پژوهشهای بعدی توسط مؤمنی (۱۳۸۳) و مراسی و عریضی (۱۳۸۳) مورد استفاده مجدد قرار گرفته است. ضرایب پایایی بازآزمایی این پرسشنامه از ۰/٤۸ تا ۰/۷۲ با

1- Social interest

فاصله‌های یک تا دو ماهه در نوسان بوده است. این پرسشنامه دارای ۱۲ سؤال است که هر سه سؤال آن بر یکی از رویکردهای نیاز، برابری، انصاف و فردگرایی اقتصادی قرار می‌گیرد. مقیاس پاسخگویی این پرسشنامه اساساً پنج درجه‌ای (کاملاً موافقم=۵ تا کاملاً مخالفم =۱) است. در رویکرد برابری، رفتار برابر با همه افراد از همه آحاد جامعه، در نیاز سطح نیازهای افراد ملاک اصلی تخصیص نتایج به افراد براساس نیازهای آنها و بالاخره در رویکرد انصاف نیز برابری دروندادهای افراد نظیر تحصیلات و تواناییها با بروندادهای آنها نظیر درآمد و پاداش، محور اصلی توجه به عدالت اجتماعی هستند. در این پژوهش آلفای کرونباخ پرسشنامه عدالت اجتماعی در قالب ۹ سؤال ۰/۷٤ بدست آمد.

کلیه پرسشنامه‌ها توسط دانشجویان گروه نمونه، به‌صورت خود گزارش‌دهی پاسخ داده شده و میانگین زمان پاسخگویی دانشجویان به کلیه پرسشنامه‌های پژوهش ۲۰ دقیقه بوده است.

برای تحلیل داده‌ها از ضریب همبستگی پیرسون (برای بررسی روابط ساده میان متغیرهای پژوهش) و از مدل‌سازی معادله ساختاری[1] (SEM) استفاده شد. مدل‌سازی معادلهٔ ساختاری با استفاده از نرم‌افزار لیزرل[2] نسخه 8.5 صورت پذیرفته است. در هر یک از مدلهای دوازده‌گانه (الگوهای الف تا ج که در تصاویر ۲ تا ۵ ارائه شده‌اند) شرایط بدین صورت بوده است: در مدلهای الف، همدلی و گرایش اجتماعی به‌طور همزمان متغیرهای پیش‌بین، یک بُعد از نگرش به رفاه اجتماعی متغیر میانجی، و یکی از رویکردها به عدالت اجتماعی متغیر ملاک بوده‌اند. در مدلهای ب، همدلی متغیر پیش‌بین، یکی از نگرشها به رفاه اجتماعی متغیر میانجی، و یکی از رویکردها به عدالت اجتماعی متغیر ملاک بوده‌اند و در الگوی ج، گرایش اجتماعی متغیر پیش‌بین، یکی از ابعاد نگرش به رفاه اجتماعی متغیر میانجی و یکی از رویکردها به عدالت اجتماعی متغیر ملاک بوده‌اند.

1- Structural Equation Modeling 2- LISREL

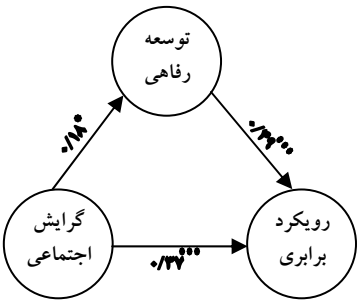
یافته‌های پژوهش

جدول ۲: همبستگی بین متغیرهای پژوهش

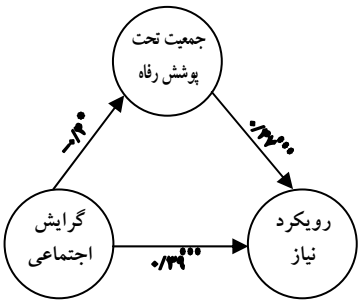
ردیف	ابعاد نگرش رفاه اجتماعی متغیرها	توسعه رفاهی	جمعیت تحت پوشش	خدمات رفاهی بیمه‌ای، حمایتی و امدادی	سیاستهای رفاهی
رویکردها به عدالت اجتماعی	برابری	۰/٤۹***	۰/۰۹	۰/۱٤	۰/۱۷
	نیاز	۰/۱٤	۰/٤۷***	۰/۰۸	۰/٤۹***
	انصاف	۰/۰۹	۰/۱۵	۰/۳٤***	۰/۱٦
همدلی		۰/۲۷**	۰/۱۱*	۰/۱۷**	۰/۳۲***
گرایش اجتماعی		۰/۲۸**	۰/۱٤	۰/۱٤*	۰/۲۷**

*P<۰/۰۵ ** P< ۰/۰۱ *** P< ۰/۰۰۱

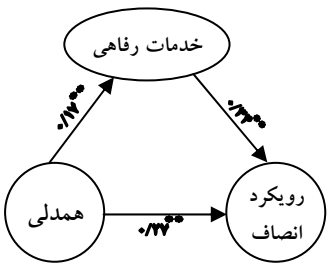
چنان‌که در جدول ۲ قابل مشاهده است، از بین انواع رویکرد به عدالت اجتماعی، برابری با توسعه رفاهی (P<۰/۰۰۱ و r=۰/٤۹)، نیاز با جمعیت تحت پوشش رفاه (P<۰/۰۰۱ و r=۰/٤۷) و سیاستهای رفاهی (P<۰/۰۰۱ و r=۰/٤۹) و انصاف با خدمات رفاهی (بیمه‌ای، حمایتی و امدادی، P<۰/۰۰۱ و r=۰/۳٤) دارای رابطه معنادار بوده‌اند. در تصاویر ٦ تا ۹، مدلهایی که از دوازده مدل پژوهش دارای بهترین شرایط برازش بوده‌اند ارائه شده‌اند. تمامی مدلهای دوازده‌گانه به دلیل زیاد شدن حجم مقاله ارائه نشده‌اند، بلکه فقط به مدلهای دارای بهترین شرایط برازش با داده‌ها اکتفا شده است. همدلی و گرایش اجتماعی نیز به ترتیب با توسعه رفاهی (r=۰/۲۷ و r=۰/۲۸)، با جمعیت تحت پوشش رفاه (r=۰/۱۱ و r=۰/۱٤)، با خدمات رفاهی (r=۰/۱۷ و r=۰/۱٤) و با سیاستهای رفاهی (r=۰/۳۲ و r=۰/۲۷) دارای رابطه معنادار بوده‌اند.



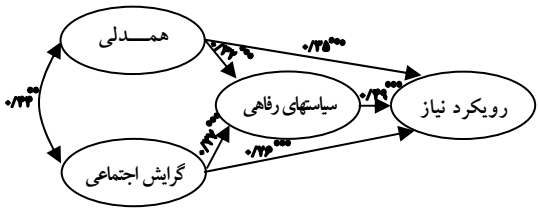
تصویر ۶: مدل ج از تصویر ۲ که دارای شاخصهای برازش مطلوبتری نسبت به مدلهای الف و ب بوده است.



تصویر ۷: مدل ج از تصویر ۳ که دارای شاخصهای برازش مطلوبتری نسبت به مدلهای الف و ب بوده است.



تصویر ۸: مدل ب از تصویر ۴ که دارای شاخصهای برازش مطلوبتری نسبت به مدلهای الف و ج بوده است.



تصویر ۹: مدل الف از تصویر ۵ که دارای شاخصهای برازش مطلوبتری نسبت به مدلهای ب و ج بوده است.

نتیجه بررسی مدلها در دو جدول ۳ و ٤ ارائه شده است.

جدول۳: نتایج بررسی سه مدل الف، ب و ج برای نگرش نسبت به توسعه رفاهی و جمعیت تحت پوشش رفاه به عنوان میانجی بین گرایش و همدلی با رویکرد نیاز و برابری به عدالت اجتماعی

ردیف	شاخص برازش	نگرش به توسعه رفاهی					نگرش به جمعیت تحت پوشش رفاه				
		مدل الف	مدل ب	مدل ج	ج-ب Δ	ج-الف Δ	مدل الف	مدل ب	مدل ج	ج-ب Δ	ج-الف Δ
۱	خی دو	۲٤۲/۱۷	۱٦۷/۵۳	۱۱۵/٦۲	-۵۱/۹۱	-۱۲٦/۵۵	۲۱۲/۷٤	۱۵۹/٦۱	۱۰۹/۲۱	-۵۰/٤	۱۰۳/۵۳ -
۲	CFI	۰/۸۹	۰/۹۵	۰/۹۷	-	-	۰/۸۸	۰/۹۲	۰/۹۸	-	-
۳	RMSEA	۰/۰۸	۰/۰٦	۰/۰٤	-	-	۰/۰۷	۰/۰۷	۰/۰۲	-	-
٤	SRMR	۰/۰۹	۰/۰۸	۰/۰٦	-	-	۰/۰۸	۰/۰۹	۰/۰۳	-	-

چنان‌که در جدول ۳ در بخش مربوط به توسعه رفاهی دیده می‌شود، مدل الف که در آن توسعه رفاهی میانجی رابطه گرایش اجتماعی و همدلی به‌طور همزمان با رویکرد برابری به عدالت اجتماعی در نظر گرفته شده است از شاخصهای برازش مطلوبی (براساس متون موجود، مقدار مطلوب برای CFI>۰/۹۵، برای RMSEA≤۰/۰٦ و SRMR≤۰/۰۸، شوماخر و لومکس، ۱۳۸۸: ۱۳۱-۱۲۳) برخوردار نیست. بنابراین سؤال اول پژوهش بدین شکل پاسخ داده می‌شود که تلقی نگرش به توسعه رفاهی به عنوان میانجی رابطه گرایش اجتماعی و همدلی به‌طور همزمان با رویکرد برابری به عدالت اجتماعی از شرایط مطلوبی برخوردار نمی‌باشد. امّا مدلهای ب و ج از شرایط به نسبت مطلوبی برخوردارند، به ترتیبی که می‌توانیم بگوییم نگرش به توسعه رفاهی نقش میانجی را به صورت جداگانه برای گرایش اجتماعی و همدلی با رویکرد برابری به عدالت اجتماعی ایفاء می‌کند. امّا چنانکه مقایسه شاخصهای برازش در مدل ب و ج نشان می‌دهد مدل ج که درآن نگرش به توسعه رفاهی میانجی پاره‌ای رابطه گرایش اجتماعی با رویکرد برابری به عدالت اجتماعی است از

شرایط مطلوبتری (SRMR=۰/۰٦ و RMSEA=۰/۰٤ و CFI=-۰/۹۷) نسبت به مدل ب (SRMR=۰/۰۸ و RMSEA=۰/٦ و CFI=۰/۹۵) برخوردار است، بنابراین این مدل (ج) نسبت به مدل ب ارجحیت دارد. اما چنان‌که در بخش یافته‌های مربوط به نگرش نسبت به جمعیت تحت پوشش رفاه در جدول ۳ دیده می‌شود، باز هم مدل ج که در آن نگرش به جمعیت تحت پوشش رفاه میانجی پاره‌ای رابطه گرایش اجتماعی با رویکرد نیاز در نظر گرفته شده، دارای بهترین برازش (خی‌دو ۱۰۹/۲۱ و P<۰/۰۰۱، CFI=۰/۹۸، RMSEA=۰/۰۲ و SRMR=۰/۰۳) است. بنابراین نتیجه می‌گیریم که در پاسخ به سؤالات سوم تا ششم پژوهش، نگرش به جمعیت تحت پوشش رفاه نقش میانجی پاره‌ای را بین گرایش اجتماعی و رویکرد نیاز به عدالت اجتماعی ایفا می‌کند.

جدول ٤: نتایج بررسی سه مدل الف، ب و ج برای نگرش نسبت به خدمات رفاهی و سیاستهای رفاهی به عنوان میانجی همدلی و گرایش اجتماعی با رویکردهای انصاف و نیاز به عدالت اجتماعی

ردیف	شاخص برازش	نگرش نسبت به خدمات رفاهی (بیمه‌ای، امدادی و حمایتی)					نگرش نسبت به سیاستهای رفاهی				
		مدل الف	مدل ب	مدل ج	الف-ب Δ	ب-ج Δ	مدل الف	مدل ب	مدل ج	الف-ب Δ	الف-ج Δ
۱	خی دو	۲۱۱/۵٤	۱۷٤/٦۲	۱۹٦/۲٦	-۳٦/۹۲	-۲۱/٦٤	۱۷٦/۱۱	۲۸٤/٦۲	۳۲۷/۱٦	۱۰۸/۵۱	۰۵/ -۱۵۱
۲	CFI	۰/۸٤	۰/۹۹	۰/۹۳	-	-	۰/۹۹	۰/۹٤	۰/۹۱	-	-
۳	RMSEA	۰/۰٦	۰/۰۲	۰/۰٤	-	-	۰/۰۲	۰/۰۸	۰/۰٦	-	-
٤	SRMR	۰/۰۸	۰/۰۳	۰/۰۷	-	-	۰/۰۳	۰/۰۹	۰/۰۷	-	-

چنان‌که در جدول ۴ قابل مشاهده است، برای نگرش نسبت به خدمات رفاهی (بیمه‌ای، امدادی و حمایتی) بهترین برازش مربوط به مدل ب (خی‌دو = ۱۷۴/۶۲ و P<۰/۰۰۱، CFI=۰/۹۹، RMSEA=۰/۰۲ و SRMR=۰/۰۳) است. در مدل ب نگرش نسبت به خدمات رفاهی (بیمه‌ای، امدادی و حمایتی) میانجی پاره‌ای همدلی به عنوان متغیر پیش‌بین برای رویکرد انصاف به عدالت اجتماعی است. بنابراین نتیجه می‌گیریم (در پاسخ به سؤالات هفتم تا نهم پژوهش) که نگرش نسبت به خدمات رفاهی (بیمه‌ای، امدادی و حمایتی) نقش متغیر میانجی پاره‌ای را بین همدلی و انصاف ایفاء می‌کند. امّا در بخش مربوط به نگرش نسبت به سیاستهای رفاهی از جدول ۴ چنان‌که دیده می‌شود، مدل الف دارای بهترین برازش (خی‌دو = ۱۷۶/۱۱ و P<۰/۰۰۱، CFI=۰/۹۹، RMSEA=۰/۰۲ و SRMR=۰/۰۳) است. در مدل الف که یک مدل میانجی همزمان محسوب می‌شود، نگرش نسبت به سیاستهای رفاهی به عنوان متغیر میانجی برای همدلی و گرایش اجتماعی به‌طور همزمان با رویکرد نیاز به عدالت اجتماعی در نظر گرفته شده است. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که نگرش نسبت به سیاستهای رفاهی نقش میانجی همزمان را بین گرایش اجتماعی و همدلی با رویکرد نیاز به عدالت اجتماعی ایفا می‌کند.

بحث و نتیجه‌گیری

نتایج حاصل از مدل‌سازی معادله ساختاری حاکی از آن بود که نگرش به توسعه رفاهی نقش یک متغیر میانجی را به‌طور همزمان برای همدلی و گرایش اجتماعی با رویکرد برابری به عدالت اجتماعی ایفاء نمی‌کند ولی به صورت تفکیکی و جداگانه برای رابطه همدلی با رویکرد برابری و رابطه گرایش اجتماعی با رویکرد برابری نقش یک متغیر میانجی پاره‌ای را ایفا می‌کند. در عین حال مقایسه شاخصهای برازش و تغییرات در خی‌دو الگوهای سه‌گانه، حاکی از مطلوب‌تر بودن شرایط نگرش به توسعهٔ رفاهی به عنوان متغیر میانجی پاره‌ای در رابطه گرایش اجتماعی با رویکرد برابری به عدالت اجتماعی بود. نگرش به جمعیت تحت پوشش رفاه برای متغیرهای گرایش اجتماعی و همدلی به‌طور همزمان (براساس مدل الف تصویر ۳) و برای متغیر همدلی به صورت منفرد نقش میانجی را در

رابطه با رویکرد نیاز به عدالت اجتماعی ایفا نمی‌کند ولی برای رابطه گرایش اجتماعی با رویکرد نیاز به عدالت اجتماعی نقش میانجی پاره‌ای را ایفا می‌کند. نتایج ارائه شده در بخش مربوط به خدمات رفاهی جدول ٤ نشان داد که این بُعد نگرشی به رفاه اجتماعی نقش میانجی را در رابطه بین گرایش اجتماعی وهمدلی به‌طور همزمان (براساس مدل الف تصویر ٤) و در رابطه بین گرایش اجتماعی (مدل ج در تصویر ٤) با رویکرد انصاف به عدالت اجتماعی بازی نمی‌کند، امّا برای رابطه همدلی با رویکرد انصاف به عدالت اجتماعی نقش یک میانجی پاره‌ای را ایفا می‌کند. بالاخره در پایان مشخص گردید که نگرش به سیاستهای رفاهی برای رابطه گرایش اجتماعی (مدل ج درتصویر ٥) و برای رابطه همدلی (مدل ب در تصویر ٥) با رویکرد نیاز به عدالت اجتماعی نقش میانجی را بازی نمی‌کند، امّا برای رابطه بین گرایش اجتماعی و همدلی به‌صورت همزمان (مدل الف در تصویر ٥) با رویکرد نیاز به عدالت اجتماعی نقش یک میانجی پاره‌ای را ایفا می‌کند.

تأمین عدالت و اجرای برنامه‌های تأمین‌کننده عدالت اجتماعی در ساختار و برنامه‌های مطرح در رفاه اجتماعی، این دو محور را در کنار یکدیگر به محورهای پژوهشی و نظری پرطرفداری تبدیل نموده است. به گونه‌ای که اکثر نظریه‌پردازان مطرح در حوزهٔ عدالت اجتماعی و رفاه اجتماعی دغدغه‌های اصلی خود را تبیین هر یک از این دو پدیده چند وجهی در سایه دیگری می‌دانند. به عبارت ساده‌تر، شاید اکنون بتوان گفت که سخن در باب عدالت اجتماعی بدون ارجاع به رفاه و سخن در باب رفاه اجتماعی بدون ارجاع به عدالت در عمل بی‌معنی و عبث است. پژوهشهایی با رویکرد نسبتاً نوین در بررسی ارتباط بین نگرش‌های معطوف به پدیده‌های اجتماعی اساساً بر نقش میانجی و مستقیم بسیاری از متغیرها در تحقیقات علوم اجتماعی و رفتاری سخن به میان آورده‌اند.
(Mcclelland & Judd , 1993: 370-390; Lindley & Kenny, 1983: 276-279; Cohen & Cohen, 1983: 189; Metz, 2004: 699; Baron & Kenny, 1986: 1173-1182). به این جهت و به واسطه اهمیتی که متغیرهای میانجی در تحقیقات ایفاء می‌کنند در این پژوهش رویکردی نوین به رابطه رفاه اجتماعی با عدالت اجتماعی دنبال شد.

در خصوص تأیید مدل میانجی پاره‌ای برای نگرش بـه توسـعه رفـاهی در رابطـه بـین گرایش اجتماعی با رویکرد برابری به عدالت توزیعی و همسویی یافته‌های این پژوهش بـا نظرات و یافته‌های پژوهشگران دیگر باید گفت کـه در توسـعه رفـاهی، گـسترش و بـسط امکانات رفاهی برای تمامی آحاد جامعه به منظور افزایش کیفیت زندگی نقطه ثقل می‌باشد. این امر به‌طور منطقی با برابری که بر ملاک برخورد مبتنی با مساوات در توزیع امکانـات و دست‌آوردها تأکید می‌کند، دارای ارتباط است. از طرف دیگر آنچـه در مـضامین اولیـه در باب گرایش اجتماعی مطرح شده است، اساساً گرایش به رفاه انسانی است. به‌طور طبیعـی کسانی که به انسانها و خود مهر ورزیده، برای انسانها بواسطه انسان بودن ارزش قائل‌اند در بهترین حالت خود، تمایل قابل توجهی به توسعه رفاهی برای ارتقاء کیفیت زنـدگی مبتنـی بر شادکامی، استحقاق و حتی نیاز نشان خواهنـد داد. بـدین جهـت گـرایش اجتمـاعی بـا جهت‌دهی نگرشها بـه سـمت توسـعه رفـاهی، بـه تقویـت برابـری در عـدالت اجتمـاعی می‌انجامد. این یافته‌ها با نظرات آدلر (۱۹۵۸: ۱۱۱) و بـا یافتـه‌هـای عریـضی و گـل‌پـرور (۱۳۸۵: ۵-٤۸) و مؤمنی (۱۳۸۳: ۹۷-۹٤) همسویی دارد. این رویکرد بـدین جهـت نـوین است که اکنون پیشایندی بجای عدالت اجتماعی برای توسـعه رفـاهی کـه همانـا گـرایش اجتماعی است مطـرح شـده اسـت. در واقـع براسـاس یافتـه‌هـای ایـن پـژوهش، تمایـل دانشجویان به انسانها بر مبنای عشق، تعامل، کار و ارتباط موجب تقویت نسبی نگرش آنها به توسعه رفاهی می‌شود. در پایان این زنجیره تمایل به برابری در حوزه عـدالت اجتمـاعی به شدت تقویت می‌شود. این فرایند تا اندازه زیادی مـی‌توانـد بخـشی از مـشکلات را در سطح جامعه که ناشی از رقابت‌جویی به قیمت پایمال کردن حقوق دیگران اسـت برطـرف کند. امّا در حوزه جمعیت تحت پوشش رفاه مشخص گردید که این بُعد نگـرش بـه رفـاه اجتماعی میانجی پاره‌ای گرایش اجتماعی با رویکرد نیاز به عدالت اجتماعی است. در واقع گرایش اجتماعی از طریق اثر بر روی نگرش به جمعیتهـایی نظیـر وابـستگان افـرادی کـه توانایی کار ندارند یا حتی کسانی که به‌طور مقطعی با مشکل تأمین مایحتـاج خـود مواجـه هستند، محور داوری را در قضاوت افراد به سمت رویکرد نیاز عدالت اجتماعی سوق داده

است. رابطه گرایش اجتماعی با نگرش بـه جمعیـت تحـت پوشـش رفـاه تـا انـدازه زیـاد بادیدگاه‌ها ونظرات نظریه‌پردازان عدالت توزیعی اجتماعی نظیر سامسون (۱۹٦۹: ۱۵؛ دویچ ۱۹۷۵: ۱۳۹ و ۱۹۸۵: ٦۷-۳۳) همسویی دارد. چرا که از نظر این نظریه‌پـردازان امکانـات و دستاوردها باید به سمت نیازمندترین افراد سوق داده شود. از طرف دیگـر یافتـه‌هـای ایـن پژوهش بـا یافتـه‌هـای عریـضی و گـل‌پـرور (۱۳۸۵: ۵۰-٤۸) و مـؤمنی (۱۳۸۳: ۹۷-۹٤) همسویی دارد. نقش میانجی نگرش به رفاه اجتماعی در دو بعد توسعه رفـاهی و جمعیـت تحت پوشش رفاه بین گرایش اجتماعی با رویکردهای برابری و نیاز حاکی از آن است کـه برای فراخوانی شناختی هر یک از این رویکردها (برابری و نیاز) لازم اسـت گـرایش‌هـای شناختی آنها به سوی بعد خاصی از نگرش به رفاه اجتمـاعی سـوق داده شـود. بـه زبـانی ساده‌تر در شرایطی که سیاستهای اجتماعی مستلزم توجه جامعه بـه اصـول برابـری و نیـاز است، لازم است به ترتیب بر توسعه رفاهی و تأکید بر جمعیت تحت پوشش رفاه تمرکز و تکیه شود. بدون تردید چنین فعال‌سازی در سطح توجه و قضاوت، باعث در دسترس قرار گرفتن ملاکهای متفاوتی از عدالت اجتماعی می‌شوند.

در حوزه خدمات رفاهی (بیمه‌ای، امدادی و حمایتی) این بُعد نگرش به رفاه اجتمـاعی میانجی رابطه میان همدلی با انصاف بود. نکته حائز اهمیت این‌که در فرهنگ غربی اساسـاً انصاف که از نظر تاریخی به آدامـز قابـل انتـساب اسـت، بـر تناسـب بـین درون‌دادهـا بـا برون‌دادهای افراد تأکید می‌ورزند. با این حال نه تنها شواهد حاصل از این پـژوهش بلکـه شواهد پژوهشی قبلی در ایـران حـاکی از آن اسـت کـه انـصاف در فرهنـگ ایـران، دارای درون‌مایه‌ای متفاوت از لحاظ شناختی است. درواقع در فرهنـگ ایـران انـصاف بیـشتر بـه تناسب بین نیاز و عایدات و نتایج تخصیص یافته نزدیک است. بـدین جهـت همپوشـی و ارتباط تنگاتنگی با نیاز پیدا می‌کند. ایـن امـر بـا احتمـال قابـل تـوجهی، ریـشه در برخـی گرایش‌های نوع‌دوستانه و بویژه ریشه در گرایش‌های مذهبی جامعه دارد. براساس آنچه که در مدل ب تصویر ٤ ارائه شد، خدمات رفاهی (بیمه‌ای، امدادی و حمایتی) که متمرکـز بـر خدمت و یاری‌رسانی به افراد در زمان نیاز می‌باشد (و نه با توجه به شرایط عمـومی آنهـا)

میانجی اثر همدلی بر انصاف بود. همدلی که اساساً توانایی درک و فهم حالات و موقعیت افراد است، موجبات رفتارهای نوع دوستانه چندی نظیر مساعدت رفتاری، مالی و غیره را به افراد فراهم می‌سازد. بدین‌سان با افزایش سطح همدلی در افراد نگرش آنها نسبت به خدمات رفاهی (بیمه‌ای، امدادی و حمایتی) بالا می‌رود و بدین ترتیب ملاک انصاف در توجه به عدالت اجتماعی مورد تقویت قرار می‌گیرد. ارتباط همدلی با خدمات رفاهی (بیمه‌ای، امدادی و حمایتی) با نظریات محققانی چون توماس (۲۰۰۲: ۲) مبنی بر این‌که در همدلی افراد سعی می‌کنند با احساسات، حالات و حتی نیازهای دیگران همانندسازی کرده و با آنها همراهی کنند همسویی دارد. از طرف دیگر یافته‌های این پژوهش با نتایج حاصل از پژوهش زرشقایی (۱۳۸٤: ۷۵-۷۲) مبنی بر اینکه گرایش‌های همدلانه انسانها را می‌تواند به سمت نوع‌دوستی، فضیلت‌خواهی همگانی و گذشت در محیط‌های کاری سوق دهد همسویی‌هایی را نشان می‌دهد. از منظری دیگر می‌توان نتیجه گرفت که جهت‌دهی‌های همدلانه، نگرش به خدمات رفاهی ـ یاری‌رسانی را تقویت می‌کند و بدین ترتیب داوریهای منصفانه معطوف به عدالت اجتماعی برجسته می‌شوند. این امر خود در یک چرخه تقویت‌کننده، جنبه انگیزشی برای رفتار دارد.

امّا در آخرین بخش از یافته‌ها، سیاستهای رفاهی میانجی رابطه همدلی و گرایش اجتماعی به‌صورت همزمان با رویکرد نیاز به عدالت اجتماعی بودند. این الگوی میانجی برای انصاف و برابری به‌دست نیامد. بدین ترتیب ملاحظه می‌شود که نگرشهای محوری به رفاه اجتماعی در حد قابل توجهی از تمایلات همدلانه و اجتماعی به محرومان و نیازمندان تغذیه می‌شود. چرا که درون‌مایه سیاستهای رفاهی اساساً توجه و حمایت از محرومترین‌ها و نیازمندترین‌ها است. بدین جهت فعال‌سازی همدلی و گرایش اجتماعی، مشروعیت و پذیرش سیاستهای رفاهی معطوف به نیاز افراد را تسهیل می‌نماید. تبیین‌های مطرح برای دلایل وجود رابطه بین سیاستهای رفاهی با همدلی و گرایش اجتماعی و در آخر با رویکرد نیاز به عدالت اجتماعی مربوط به ماهیت نیاز و گرایش اجتماعی و همدلی می‌باشد که در گستره نظریات و تحقیقات متعددی نظیر راسینسکی (۱۹۸۷: ۲۰٤-۲۰۱)، دویچ (۱۹۸۵:

۶۷-۳۳)، سامسون (۱۹۶۹: ۱۵)، توماس (۲۰۰۲: ۲)، زرشقایی (۱۳۸۳: ۷۵-۷۲)، مؤمنی (۱۳۸٤: ۹۷-۹٤) و عریضی و گل‌پرور (۱۳۸۵: ۵۰-٤۸) به آنها اشاره شده و در تبیین‌های مربوط به دیگر یافته‌های پژوهش به آنها اشاره شد.

مدلها و نتایج بدست آمده در این پژوهش با استفاده از دانشجویان بدست آمده بنابراین تعمیم نتایج به دیگر گروه‌های مردم با محدودیت مواجه است. همچنین روابط حاصله و تأیید شده در قالب مدلهای این تحقیق، جنبه همبستگی دارند و تفسیر آنها به‌صورت علت و معلولی که به تحقیقات آزمایشی مربوط می‌شود صحیح نیست.

در مورد آنچه در این پژوهش قابل توجه بود، تمایزاتی است که هر یک ازابعاد نگرش به رفاه اجتماعی به عنوان یک متغیر میانجی بوجود آوردند. از جهت پیشنهادهای کاربردی باید گفت که الگوهای حاصله بخوبی مؤید این امر است که محوریت تأکید بر یکی از رویکردهای سه‌گانه نیاز، برابری و انصاف به عدالت اجتماعی باید از طریق سیاستهای رفاهی متفاوتی دنبال شود. چنان‌که همدلی و گرایش اجتماعی مورد تقویت قرار گیرند توجه به محرومین و نیازمندان و سیاستهای رفاهی معطوف به آنها تقویت می‌گردد. بدین ترتیب ملاک داوری در مورد حضور یا عدم حضور عدالت بر رویکرد نیاز به عدالت اجتماعی متمرکز می‌شود. اگر به تنهایی گرایش اجتماعی مورد تقویت قرار گیرد، نیاز در کنار برابری قرار می‌گیرد و بدین وسیله همزمان، توجهات به جمعیت پوشش رفاه و توسعه رفاهی جلب می‌شود و بالاخره اینکه صرف فعال‌سازی همدلی از طریق رسانه‌های جمعی توجهات را به خدمات رفاهی کمکی ـ حمایتی جلب نموده و بدین وسیله، داوری افراد را به سمت اصل انصاف سوق می‌دهد. پژوهشگران علاقه‌مند به حوزه نگرشها به رفاه اجتماعی می‌توانند، این نگرشها را با متغیرهای دیگری نظیر یاری‌رسانی و ابعاد مختلف سرمایه اجتماعی در گروه‌های مختلفی نظیر مشاغل مختلف و زنان و مردان به صورت تفکیکی و جداگانه بررسی نمایند تا سطح دانش و بینش در باب نقش نگرش به ابعاد مختلف رفاه اجتماعی بر رفتارها مشخص شود. در عین حال پژوهشگران علاقه‌مند می‌توانند پژوهش حاضر را در گروه‌های دیگری به غیر از دانشجویان مورد بررسی قرار دهندتا نتایج قابل مقایسه‌ای با نتایج پژوهش حاضر بدست آید.

منابع

References

- زرشقایی، مسعود. (۱۳۸٤)، **هنجاریابی و اعتباریابی مقیاسهای همدلی و رفتار مدنی ـ سازمانی**، پایان‌نامه کارشناسی ارشد روانشناسی دانشگاه اصفهان.
- شوماخر، رندال ای و لومکس، ریچاردجی. (۱۳۸۸)، **مقدمه‌ای بر مدل‌سازی معادله ساختاری**، ترجمه وحید قاسمی، چاپ اول، تهران، انتشارات جامعه‌شناسان.
- عریضی، حمیدرضا. (۱۳۸۳)، رویکردهای عدالت اجتماعی در بین معلمان شهر اصفهان، **فصلنامه رفاه اجتماعی**، شماره ۱۳، بهار ۱۳۸۳.
- عریضی، حمیدرضا؛ گل‌پرور، محسن. (۱۳۸٤)، رابطه بین رویکردهای عدالت اجتماعی با مؤلفه‌های برابری سیاسی. **فصلنامه رفاه اجتماعی**، سال چهارم، شماره ۱٦، بهار ۱۳۸٤؛ ۱۸٤-۱۵۵.
- عریضی، حمیدرضا؛ گل‌پرور، محسن. (۱۳۸۵)، رابطه عدالت اجتماعی با گرایش اجتماعی در بی دانشجویان دانشگاه اصفهان، **مجله علوم روانشناختی**، دوره پنجم، شماره ۱۷، بهار ۱۳۸۵؛ ۵۸-۳۵.
- فیترپاتریک، تونی. (۱۳۸۱). **نظریه رفاه: سیاست‌اجتماعی‌چیست؟**، ترجمه هرمز همایون‌پور، چاپ اول، تهران، انتشار مشترک مؤسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی و گام نو.
- گل‌پرور، محسن؛ عریضی، حمیدرضا. (۱۳۸۳الف). بررسی نگرش افراد جامعه نسبت به مدارس غیرانتفاعی در شهر اصفهان، **فصلنامه تعلیم و تربیت**، سال بیستم، شماره ۲، تابستان، ۱۳۸۳؛ ۱۵٦-۱۲۵.
- گل‌پرور، محسن؛ عریضی، حمیدرضا. (۱۳۸۳ب)، رابطه نحوه نگرش به مدارس غیرانتفاعی با رویکردهای عدالت اجتماعی، **فصلنامه رفاه اجتماعی**، سال چهارم، شماره ۱۵، زمستان ۱۳۸۳؛ ۳۱۸-۲۹۳.
- مراسی، محمود و عریضی، حمیدرضا. (۱۳۸۳)، رابطه ملاکهای انتخاب رشته با نگرش به عدالت اجتماعی در بین داوطلبین ورود به دانشگاه، **فصلنامه علوم انسانی دانشگاه اصفهان**، سال پنجم، شماره ۱۹؛ ۲۲۹-۲۰۷.
- مدنی، سعید و رفیعی، حسن (۱۳۸۱)، **نظرسنجی از مدیران وکارشناسان منتخب دربارهٔ نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی کشور**، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
- مؤمنی، عبدا... . (۱۳۸۳)، **بررسی رابطه بین نگرش به عدالت اجتماعی و نگرش به رفاه اجتماعی**. پایان‌نامه کارشناسی ارشد برنامه‌ریزی رفاه اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی تهران.

References **منابع**

-Adler, A. (1958). **What life should mean to you**. New York: Capricorn Books.

-Baily, J., & Plessis, D.D. (1997). Understanding principal's attitudes toward inclusive schooling. **Journal of Educational Administration**, 35(5), 428-438.

-Baron, R.M., & Kenny, D.A. (1986). The moderator-mediator variable distinction in social psychological research. **Journal of Personality and Social Psychology**, 51, 1173-1182.

-Cohen, J., & Cohen, P. (1983). **Applied multiple regression / Correlation analysis for the behavioral science**. Lawrence Erlbaum, Hillsdale, NJ.

-Deutsch, M. (1975). Equity, equality and need: what determine which value will be used as the basis for distributive justice? **Journal of Social Justice**, 31, 137-149.

-Deutsch, M. (1985). **Distributive justice**. Yale University: New Haven, Ct.

-Grever, K.B., Tseng, M.S., & Friedland, B.U. (1973). Development of the social interest index.**Journal of Personality and Social Psychology**, 41, 454-458.

-Lindley, P., & Walker, S.N. (1993). Theoretical and methodological differentiation of moderation and mediation. **Nursing Research**, 42, (5), 276-279.

-Metz, I. (2004). Do personality traits indirectly affect women's advancement? **Journal of Managerial Psychology**, 19(7), 695-707.

-McClelland, G.H., & Judd, C.M. (1993). Statistical difficulties of detecting interactions and moderator effects. **Psychological Bulletin**, 114, 376-390.

-Olson, J.M., & Zanna, M.P. (1993). Considering social justice: A review of David Miller's principles of social justice. Social **Justice Research**, 15(3), 295-311.

References **منابع**

-Prislin, R., & Oullette, J. (1998). When it is embedded, it is potent: effects of general attitude embeddedness on formation of specific attitudes and behavior intentions. **Personality and Social Psychology Bulletin**, 22, 845-561.

-Rasinsky, K. (1987). What's fair is fair - or is it? Value differences underlying public views about social justice. **Journal of Personality and Social Psychology**, 53, 201-204.

-Reber, A.C. (1995). **The dictionary of psychology**. second edition. London: Penguin Books. P: 249.

-Rogers, A.S. (1961). **On becoming a person: A therapist view of psychotherapy** Boston: Houghton Mifflin.

-Sampson, E.E. (1969). Studies in status congruence. In L. Berkowitz (ed.), **Advances in experimental social psychology**. New York: Academic Press.

-Thomas, M. (2002). **Empathy style profile: Mini questionnaire report**. USA: Profiles - Rus. P: 2.

-Walster, E., Walster, G., & Berscheid, E. (1978). Equity: Theory **and research**. Boston: Allyn and Bacon.

-Wendorf, C.A., Alexander, S., & Firestone, I.J. (2002). Social justice and moral reasoning: An empirical integration of two paradims in psychological research. **Social Justice Research**, 15(1), 19-39.